

:

:

: مطالعات برنامه و بودجه



[Redacted text box]

[Redacted] : [Redacted]

- .....
- ۲. الزامات اصلاح ساختار نظام بودجه‌ریزی در بلندمدت .....
- ۷. برخی توصیه‌های کوتاه مدت .....



[Redacted text box]

قریب به اتفاق دست‌اندرکاران براین باورند که بودجه‌ریزی در ایران، به رغم حدود یک قرن پیشینه اجرای با مسائل و مشکلات متعددی رو به روست. پاره‌ای از این مشکلات ناشی از شرایط و احوال اقتصادی و اجتماعی کنونی است، اما برخی دیگر که دارای اهمیت بسیار بیش‌تری نیز هست، ریشه در ساختار اداری و مالی کشور دارد. مسائل و تنگناهای مزبور بر محتوای اطلاعاتی بودجه تأثیر گذاشته و باعث فقدان شفافیت در تصمیم‌های مالی و در نتیجه بروز آسیب‌هایی در انجام وظایف حوزه قانونگذاری شده است. حل مشکلات مزبور در گرو نگاه جامع بلندمدت به مسائل بودجه‌ریزی است. در این گزارش ابتدا الزامات اصلاح ساختاری نظام بودجه‌ریزی در بلندمدت مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس برخی توصیه‌های کوتاه‌مدت ارائه می‌شود.

[Redacted text box]

بنا به تعریف ماده یک قانون محاسبات عمومی، بودجه کل کشور برنامه مالی یک ساله دولت است که درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار را پیش بینی می‌کند و هزینه‌های انجام عملیاتی را که منجر به تحقق سیاست‌ها و هدف های قانونی می‌شود، برآورد می‌کند. این تعریف، بودجه کل کشور را شامل بودجه عمومی دولت، بودجه شرکت‌ها و بانک های دولتی و بودجه سایر مؤسسه های مربوط می‌شناسد، اما ارتباط عملیات اجرایی دولت را با سیاست‌ها و هدف های قانونی در حوزه عمل هریک از این بودجه‌های سه‌گانه به طور مشخص و مستقیم معلوم نمی‌دارد، بلکه موضوع را بر پذیرش پیشاپیش این مفهوم استوار می‌داند که کارکردها و عملیات اجرایی هریک از این سه قسمت، خود به خود همان تعقیب



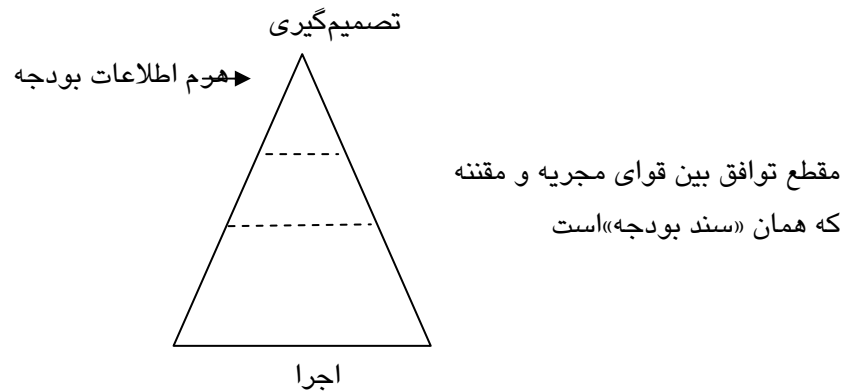
سیاست‌ها و هدف‌های قانونی است. در این مفهوم، دوام تشکیلاتی دولت و عملکرد جاری آن به منزلهٔ انجام عملیاتی است که منجر به تحقق سیاست‌ها و هدف‌های قانونی می‌شود و از این رو، اختصاص و واگذاری اعتبار به دستگاه‌های اجرایی به معنای اطمینان از انجام فعالیت‌هایی است که هدف‌های قانونی را تأمین می‌کند بدون آنکه همزمان، معیار یا قیمت تمام شده‌ای برای ارزیابی و سنجش امور اجرایی تعیین شده باشد! علاوه بر این، در تعریف قانون محاسبات عمومی آثار بودجه‌ای ساختار حاکمیت سیاسی، حدود مأموریت‌ها و قلمرو اجرایی دولت و ماهیت منابع موجود مورد نظر نیست؛ و بودجه‌ریزی به عملیات لازم برای تنظیم و تصویب سندی تحت اصول و شیوه‌های مرسوم اداری محدود شده است.

اما در واقع، جریان بودجه‌ریزی متضمن حرکتی فراتر از گردآوری اطلاعات و اعتبارات مربوط به عملیات دولت در سندی مصوب است و فرآیند بررسی و تحلیل کارکردهای مدیریت بخش عمومی، گزینش منابع و انجام هزینه‌ها را نیز در خود دارد. از این دیدگاه، فرآیندهای بودجه‌ای به صورت نظام‌های اطلاعات مالی و عملیاتی دولت در می‌آید و همچون هر می از مسئولیت‌ها و اختیارات، اطلاعات لازم را برای شناخت مأموریت‌ها و فعالیت‌های دستگاه‌های اجرایی در بعد وصول درآمدها و انجام هزینه‌های مصوب و نیز چارچوب‌های قانونی نظارت بر عملیات اجرایی برای ارزیابی نتایج حاصل از فعالیت‌های مزبور ارائه می‌کند. به این ترتیب، سیاستگذاران و مدیران بخش عمومی در جریان مستمر دستاوردهای عملیاتی قرار می‌گیرند. تکیه بر ویژگی‌های اطلاعاتی بودجه، مدیران سازمانهای اجرایی و کارشناسان مربوط را قادر می‌سازد که با تحلیل اقتصادی-اجتماعی، حدود موفقیت‌ها یا تردیدهای مربوط به غلبهٔ دولت بر آن‌ها را ارزیابی کنند. در این تعریف، بودجه و بودجه‌ریزی موضوع طراحی و مدیریت نظام اطلاعاتی پویا و مستمری از فعالیت‌های بخش عمومی قرار می‌گیرد که در



درون آن (هرم اطلاعاتی) تصمیم‌های اتخاذ شده از رأس به سوی جریان‌های اجرایی (قاعدهٔ هرم) و اطلاعات مربوط به فعالیت‌های خاتمه یافته از قاعده به سمت رأس هرم (برای ارزیابی و اصلاح تصمیم‌ها) در رفت و برگشت است. بازسازی مفاهیم بودجه و بودجه‌ریزی در الگوی نظام‌های اطلاعاتی، چارچوب و مأموریت سند (قانون) بودجه را منحصر به بازتاب اطلاعات مربوط به مقطعی از هرم اطلاعاتی مزبور می‌کند که قوای اجرایی و قانون‌گذاری بر سر آن به تفاهم رسیده باشند. پذیرش این دیدگاه چند نتیجه مهم دارد:

اول آنکه تأکید بر تفکیک مفاهیم مربوط به نظام بودجه‌ریزی و سند (قانون) بودجه از پیامدهای مهم پذیرش تعریف اخیر است. در حقیقت برای این که بین تعریف اول (بودجه به مثابه یک سند) و تعریف دوم (بودجه به مثابه نظام اطلاعاتی) ارتباط برقرار کنیم می‌توانیم مقطعی از هرم را در نظر بگیریم که در آن مقطع بین قوه مقننه و قوهٔ مجریه تفاهم حاصل شده باشد. این مقطع همان سند بودجه است (شکل زیر).



سند بودجه، مرز دخالت قوهٔ مقننه را مشخص می‌کند. اطلاعات محصور در فاصلهٔ مقطع «سند بودجه» و قاعده هرم در اختیار دولت است و اطلاعات مندرج



در فوق مقطع، اطلاعاتی است که دولت (قوه مجریه) موظف است آن را به اطلاع مجلس برساند.

به همین دلیل در طراحی سند بودجه باید اطلاعاتی را انتخاب کنیم که مخصوص مقطع مورد نظر باشد، ضمن آن که اصل «صلاحیت تصمیم‌گیری» و اصل «شناسایی عملیات انجام شده» مراعات شود. در حال حاضر متأسفانه نه بودجه نویسان می‌دانند باید چه اطلاعاتی را در سند بودجه بگنجانند و چه اطلاعاتی را ننگانند و نه قوه مقننه حد دخالت خود را می‌داند. اگر در سنوات مختلف بودجه حد دخالت قوه مقننه متغیر و متفاوت باشد ارتباط بین سندهای بودجه‌ای قطع خواهد شد.

نکته دوم آن که، تعداد زیادی از تصمیمات اتخاذ شده در هر بودجه پیامد اطلاع از نتایج اجرایی و عملیاتی تصمیمات بودجه‌ای قبلی است. به عبارتی، تعداد زیادی از تصمیمات یک هرم «از پیش گرفته شده» است و فقط می‌توان آنها را اصلاح کرد. به دیگر سخن دو نوع اطلاعات در هرم وجود دارد:

۱) اطلاعات ناشی از تصمیم‌گیری‌های قبلی که تداوم عملیاتی دارد؛

۲) اطلاعات مربوط به تصمیم‌گیری‌های جدید؛

در حالت نخست، قوه مقننه و قوه مجریه فقط می‌توانند مسیر را تصحیح کنند و در حالت دوم قوای مزبور می‌توانند به طور کلی تصمیم‌گیری کنند (رد، پذیرش، اصلاح). در نظامات بودجه‌ای پیشرفته این دو نوع اطلاعات دقیقاً از یکدیگر تفکیک شده‌اند. تفکیک این دو نوع اطلاعات از بار کاری مجلس به هنگام رسیدگی به لایحه بودجه خواهد کاست.

نکته سوم آن که، فن‌آوری اطلاعاتی هرم بودجه دو وجه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری دارد. ما در بخش سخت‌افزاری با بقیه دنیا مشترکاتی داریم (کم و بیش همه لویح بودجه در همه جای دنیا شباهت‌هایی دارند) اما در بخش نرم‌افزاری، اطلاعاتی وجود دارد که خاص هر کشور است، از جمله اطلاعات

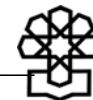


حقوقی، اطلاعات مدیریتی، اطلاعات اقتصادی، اطلاعات مالی و اطلاعات تشکیلاتی که الزاماً به بقیه دنیا شبیه نیست.

به همین دلیل هر کشوری نرم‌افزارهای خاص خودش را برای طراحی لایحه بودجه دارد. این نکته ظریف کلاً در تنظیم لایحه بودجه ایران نادیده انگاشته شده است (مشکل مشابهی عیناً در مورد لویح برنامه توسعه وجود دارد). در قوانین برنامه و بودجه ما صرفاً به سخت‌افزارها پرداخته شده است و به همین دلیل از سال ۱۳۵۲ بین سازمان برنامه و وزارت امور اقتصادی و دارایی مسائل حل نشده‌ای وجود دارد. حل نشدن این مسأله و بی‌توجهی به جنبه‌های نرم‌افزاری بودجه باعث شده که لویح و قوانین بودجه ملامت از اطلاعات غلط باشد.

خلاصه آنکه بر اساس تعریف دوم، بودجه یک نظام تصمیم‌گیری است و بودجه به عنوان سند (تعریف اول) مقطعی خاص از این نظام است. به همین دلیل هر چیزی نمی‌تواند سند باشد، بلکه سند حالت خاصی از این فرآیند است که لازم است حاوی اطلاعات خاص خودش باشد (نه همه اطلاعات مستتر و مندرج در هرم). با توجه به مقطع سند و توجه به دو اصل «صلاحیت تصمیم‌گیری» و «اطلاع از عملیات اجرایی» می‌توان حدود و ثغور وظیفه تصمیم‌گیری و نظارتی قوه مقننه و وظیفه اجرایی قوه مجریه را مشخص کرد.

با توجه به مراتب فوق به نظر می‌رسد که قبل از هر چیز لازم است تا با تعیین حقوق و اختیارات قوه مقننه در بودجه روشن نمود که قوه مقننه در بودجه تا کجا حق مداخله دارد و قوه مجریه چه اطلاعاتی را باید در اختیار قوه مقننه قرار دهد. بدون تعیین حوزه مسئولیت‌ها، تعارضات بدون نتیجه‌ای بین نمایندگان قوه مقننه و مدیران قوه مجریه بروز خواهد کرد و انجام اصلاحات واقعی امکان‌پذیر نمی‌باشد.



۱-۳. برنامه سالانه مطابق با تعریف بند ۴ ماده ۱ قانون برنامه و بودجه تنظیم و به همراه بودجه به مجلس شورای اسلامی تقدیم شود.

:

بند ۴- ماده ۱ قانون برنامه و بودجه: منظور برنامه عملیات اجرایی دولت است که سالانه تنظیم و همراه بودجه کل کشور تقدیم مجلس شورای اسلامی می‌گردد و ضمن آن در قالب هدف‌ها و سیاست‌های مندرج در برنامه عمرانی پنجساله، هدف‌های مشخص و عملیات اجرایی سالانه هر دستگاه اجرایی با اعتبار مربوط تعیین می‌شود.

۲-۳. رسیدگی و تصویب بودجه طبق قانون اساسی بر عهده مجلس شورای اسلامی است و بنابراین هر گونه اجازه‌ای که حقوق قوه مقننه را در این ارتباط مخدوش سازد مورد پذیرش نیست. از طرف دیگر وجود انعطاف در بودجه، اجرای آن را امکان‌پذیر ساخته و در عمل می‌تواند کارایی عملکرد بودجه را بهبود بخشد.

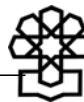
جهت ایجاد نظم و انضباط مالی دولت، اختیارات محدودی برای جابجایی اعتبارات داده می‌شود. بنابراین لازم است کلیه دستگاه‌های اجرایی اعتبارات مورد نیاز طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و اعتبارات هزینه‌ای خود را با دقت بیشتری محاسبه نمایند.



:

به دلایل گوناگون از جمله عدم توجه اقتصادی و فنی طرح‌های عمرانی، ضعف دستگاه‌های اجرایی در برنامه‌ریزی‌های لازم جهت اجرای طرح‌های مزبور و ... برآورد اعتبارات مورد نیاز سالانه طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌های (طرح‌های عمرانی) به دقت صورت نمی‌گیرد و بر پایه و اساس بررسی‌های کارشناسی تعیین نمی‌شود. به همین دلیل در سنوات اخیر ( سال‌های ۸۲ و ۸۳ ) طبق بند الف تبصره یک قانون بودجه اعتبارات طرح‌های عمرانی تا ۵۰ درصد قابل تغییر است. حتی در مورد طرح‌های مهم (که در پیوست شماره یک قانون بودجه مشخص شده‌اند) یا طرح‌هایی که سال خاتمه آن‌ها سال بودجه‌ای یا سال بعد از سال بودجه‌ای است، محدودیتی وجود نداشته و اعتبارات آن‌ها به هر میزان قابل افزایش است. علاوه بر این موارد اختیارات دیگری در رابطه با اجازه جابجایی اعتبارات هزینه‌ای بین دستگاه‌های اجرایی (به میزان ۵٪) جابجایی اعتبارات ردیف‌های متفرقه و ... نیز داده شده است. وجود چنین اختیاراتی در عمل به معنای نامعین بودن کلیه ارقام بودجه‌ای است و در حقیقت مجلس شورای اسلامی هیچ عددی را تصویب نمی‌کند.

۳-۳. شکل حقوقی کلیه دستگاه‌هایی که در جدول قانون بودجه برای آن‌ها اعتبار منظور شده است با تعاریف مذکور در موارد (۲)، (۳)، (۴) و (۵) قانون محاسبات عمومی کشور منطبق گردد.



:

ماده ۲- وزارتخانه واحد سازمانی مشخصی است که به موجب قانون به این عنوان شناخته شده و یا بشود.

ماده ۳- موسسه دولتی واحد سازمانی مشخص است که به موجب قانون ایجاد و زیرنظر یکی از قوای سه‌گانه اداره می‌شود و عنوان وزارتخانه ندارد.

تبصره- نهاد ریاست جمهوری که زیرنظر ریاست جمهوری اداره می‌گردد، از نظر این قانون موسسه دولتی شناخته می‌شود.

ماده ۴- شرکت دولتی واحد سازمانی مشخصی است که با اجازه قانون به صورت شرکت ایجاد شود و یا به حکم قانون و یا دادگاه صالح ملی شده و یا مصادره شده و به عنوان شرکت دولتی شناخته شده باشد و بیش از ۵۰ درصد سرمایه آن متعلق به دولت باشد. هر شرکت تجاری که از طریق سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولتی ایجاد شود، مادام که بیش از پنجاه درصد سهام آن متعلق به شرکت‌های دولتی است، شرکت دولتی تلقی می‌شود.

ماده ۵- موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی از نظر این قانون واحدهای سازمانی مشخصی هستند که با اجازه قانون به منظور انجام وظایف و خدماتی که جنبه عمومی دارد، تشکیل شده و یا می‌شود.

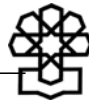
تبصره- فهرست این قبیل موسسات و نهادها با توجه به قوانین و مقررات مربوط از طرف دولت پیشنهاد و به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید.



۳-۴. طبقه بندی اقلام بودجه‌ای به طور کامل متناسب با نظام طبقه‌بندی آمارهای مالی دولت (GFS) صورت گیرد. در صورت عدم امکان رعایت برخی موازین وضع شده توسط استاندارد مزبور صورت مغایرات و دلایل آن ارائه شود.

:

نظام آمارهای مالی دولت (GFS)<sup>۱</sup> دستورالعملی است که از طرف صندوق بین‌المللی پول جهت یکسان‌سازی آمارهای مالی دولت‌ها تدارک دیده شده است. طبقه‌بندی آمارهای مالی دولت طبق دستورالعمل صندوق بین‌المللی پول، علاوه بر این که سبب شفاف ساختن بودجه کشورها می‌شود، امکان مقایسه تطبیقی وضعیت مالی کشورهای مختلف را نیز فراهم می‌کند. مفاهیم، طبقه‌بندی‌ها و تعاریف پایه‌ای مورد استفاده در این دستورالعمل، صرفنظر از شرایط کاربرد آن، به اصول اقتصادی و استدلال‌هایی بستگی دارد که از نظر جهانی معتبر است. بنابراین، نظام آمارهای مالی دولت (GFS) برای اقتصاد کلیه کشورها صرفنظر از ساختار نهادی یا قانونی دولت آن کشور، تجربه عملی تکوین نظام آماری، نظام حسابداری مالی دولت یا میزان مالکیت عمومی دستگاه‌های مستقل سودآور قابل کاربرد است. تفاوت قابل ملاحظه کشورها از نظر ساختار دولتی و اقتصادی، به این معنی است که قسمت‌های مختلف دستورالعمل مذکور برای تمام کشورها به یک اندازه مناسب نخواهد بود.



پس از صدور حکم قانونی در تبصره ۴۸ قانون بودجه ۱۳۸۰ مبنی بر اصلاح ساختار نظام بودجه‌ریزی کشور توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، این سازمان نحوه طبقه‌بندی اقلام بودجه‌ای در لایحه بودجه ۱۳۸۱ را بر مبنای نظام طبقه‌بندی آمارهای مالی دولت تغییر داد.

به رغم گذشت سه سال از اجرای طبقه‌بندی مزبور، وجود اشکالاتی از قبیل موارد ذیل موجب عدم دستیابی به اهداف تعیین شده از تغییر طبقه‌بندی شده است:

- درج اقلام غیرمرتبط در سر فصل‌ها (اعتبارات کمک‌های فنی اعتباری، طرح‌های اشتغال‌زا و طرح‌های تجهیزاتی و تعمیراتی در تملک دارایی‌های سرمایه‌ای)؛
- وجود حجم قابل ملاحظه‌ای از بودجه عمومی در ردیف‌های متفرقه بدون مشخص بودن نحوه طبقه‌بندی اقتصادی آن‌ها؛
- عدم رعایت تفکیک کدهای طبقه‌بندی در سطوح ۴، ۲، ۴، ۲ و ۵ رقمی و تداخل در سطوح مختلف طبقه‌بندی و در نتیجه عدم شفافیت آمارهای مالی و غیرقابل مقایسه بودن وضعیت مالی کشور با سایر کشورها،

۳-۵. ارائه گزارش‌های تفصیلی برای توجیه فصول و برنامه‌های جدید که ذیل فصول مختلف ایجاد می‌شوند با ذکر مستندات قانونی برعهده‌گرفتن اجرای برنامه‌ها توسط دستگاه‌های مجری و مشخص نمودن محدوده‌های هزینه‌ای و عملیاتی آن ضروری است.

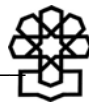


:

فقدان تعریف‌های مشخص و قطعی از فصول و محتوی عملیاتی و برنامه‌های مربوط به آن‌ها یکی از مشکلات طبقه‌بندی‌های بودجه‌ای در کشور محسوب می‌شود. به همین دلیل اصلاحات انجام شده از نظم معینی تبعیت نکرده و بیش‌تر به اقتضای حل و فصل مسائل پیش‌رو و گاه تغییر مسئولان و تبعیت از دیدگاه‌های آنان صورت گرفته است. ضابطه پیشنهادی به دنبال رفع کامل این معضل نیست بلکه با هدف توقف روند مزبور و مشخص نمودن محدوده‌های هزینه‌ای و عملیاتی فصول و برنامه‌های جدیدی است که احتمالاً دولت در قالب لایحه بودجه ۱۳۸۴ به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد خواهد کرد.

۳-۶. از درج تبصره‌هایی با ویژگی‌های ذیل خودداری شود:

- دارای حکم مشابه در قوانین موضوعه کشور باشند،
- ماهیت دائمی دارند،
- به نحوی قوانین دائمی کشور را اصلاح می‌کنند،
- ارقام آن‌ها با ماده واحد بودجه کل کشور ارتباطی ندارد،
- مسئولیت محاسباتی را مخدوش و نظارت بر بودجه را مشکل می‌سازند،
- هزینه از محل درآمدهای اختصاصی جدیدی ایجاد می‌نمایند.
- با بودجه کل کشور ارتباط ندارند (غیر بودجه‌ای هستند).



:

همه ساله در قالب لوایح بودجه پیشنهادی، احکام گوناگونی طی ماده واحده و تبصره‌های مربوط به آن به تصویب می‌رسد. با توجه به سهولت پیشنهاد و کوتاه‌بودن مراحل تصویب این احکام و نیز اعتبار حقوقی سالانه آن‌ها تمایل به رفع مشکلات قانونی دستگاه‌های اجرایی در حاشیه تصویب بودجه و اخذ مجوز از مجلس شورای اسلامی از این طریق رو به فزونی است.

مروری بر تعداد احکام مصوب در تبصره‌ها و آیین نامه‌های مرتبط با آن‌ها نشان می‌دهد که در سال ۱۳۶۹ تعداد ۲۸۹ حکم و در سال ۱۳۷۸ تعداد ۸۱۸ حکم به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. بدیهی است که تصویب متوسط ۶۵۰ حکم سالانه در مدت زمان کوتاه رسیدگی به بودجه و جلسه‌های فشرده (با در نظر گرفتن احکام تکراری) مانع از جامع‌نگری و سبب بروز ابهام‌ها و مشکلاتی در اجرای بودجه خواهد شد. نظر به این که بر اساس مفاد آیین نامه داخلی مجلس، پیشنهاد هر یک از نمایندگان قابلیت طرح در جلسه علنی و احتمال تصویب دارد، قانونگذاری از طریق تبصره‌های بودجه می‌تواند فارغ از محدودیت‌های کارشناسی و تشخیص ضرورت صورت پذیرد. به عنوان نمونه، تصویب پرداخت ۱۵ روز پاداش به بازنشستگان دولت بدون توجه به تامین اعتبار مورد نیاز در سال ۱۳۷۸ و در نتیجه، عدم امکان اجرای به موقع آن و الزام به تامین بقیه اعتبار در اصلاحیه بودجه سال مذکور و متعاقب آن، صدور احکام دیوان عدالت اداری در این زمینه رامی‌توان مورد توجه قرار داد. مجلس شورای اسلامی با روش خاصی (مبنا قراردادن پیشنهاد کمیسیون تلفیق و

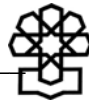


تقدم احکام درآمدی بر احکام هزینه‌ای) مفاد احکام تبصره‌ها را علاوه بر کمیسیون‌های تخصصی و کمیسیون تلفیق، در جلسه علنی بررسی و تصویب می‌کنند.

۷-۳. با توجه به اینکه فرض بر این است که اعتبارات برآورد شده برای هر یک از دستگاه‌های اجرایی و طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای بر اساس محاسبات کارشناسی صورت گرفته است، لذا اختصاص هر مقدار از اعتبارات مزبور (از سر جمع اعتبارات) برای انجام فعالیت‌های خاص غیر مجاز باشد.

:

در سنوات اخیر در احکام تبصره‌های بودجه اجازه داده می‌شود که برخی دستگاه‌های اجرایی از سر جمع اعتبارات طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مقادیر معینی را برداشت و صرف هزینه‌های خود نمایند. به عنوان مثال به سازمان مجری ساختمان‌ها و تاسیسات دولتی و عمومی اجازه داده می‌شود که ۲/۵ درصد از عملکرد تخصیص اعتبار هر یک از طرح‌های عمرانی را به عنوان درآمد حاصل از خدمات مدیریت منظور نماید و یا به بنیاد مسکن اجازه داده می‌شود تا ۴ درصد از عملکرد



تخصیص اعتبارات را در قالب هزینه‌های پرسنلی، اداری و سرمایه‌ای به مصرف برساند. این روش علاوه بر مشکلات ناشی از ایجاد اغتشاش در مسئولیت‌های محاسباتی و دشوار نمودن امر نظارت موجب می‌شود تا در نهایت تفکیک اقلام هزینه‌ای و تملکی امکانپذیر نباشد.

۳-۸. جدولی حاوی کلیه بدهی‌های دولت و دستگاه‌های اجرایی (داخلی و خارجی) به تفکیک نوع بدهی و ماهیت طلبکار و جدول زمانی بازپرداخت به همراه بودجه ارائه شود.

:

این ضابطه با هدف مشخص نمودن میزان تعهدات سنواتی آتی دولت (شامل تعهدات وزارتخانه‌ها، بانک‌ها، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌ها) پیشنهاد شده است و شامل تعهدات ناشی از فروش اوراق مشارکت، بدهی به سیستم بانکی و تعهدات مربوط به بیع متقابل کلیه اقسام دیگر بدهی می‌باشد.

۳-۹. اعتبارات متفرقه (تملکی و هزینه‌ای) به جز موارد ضروری (با ارائه سندی حاوی ذکر دلایل) به سقف اعتبارات برنامه‌ای هر یک از دستگاه‌های اجرایی اضافه شود.

:

۱۰-۳. اعتبارات مورد نیاز برای پرداخت سود اوراق مشارکت که در هر سال به فروش می‌رسند در بودجه همان سال پیش‌بینی شود.

:

با توجه به روال موجود فروش اوراق مشارکت در کشور (که طبق آن معمولاً از زمان فروش اوراق تا زمان پرداخت اولین سود به خریداران سه ماه فاصله است) اعتبارات مورد نیاز برای پرداخت وجوه مزبور باید در سال بودجه‌ای پیش‌بینی شود. در حالیکه در حال حاضر تعهدات ناشی از فروش اوراق مشارکت عملاً به سال بعد منتقل می‌شود به همین جهت نیز اکثر دستگاه‌هایی که مجری فروش اوراق مشارکت هستند در سه ماهه آخر سال اقدام به فروش اوراق می‌نمایند که دشواری‌هایی را در امر فروش اوراق و نگهداری حساب‌ها ایجاد می‌نماید.





:

: نقطه شروع اصلاح نظام بودجه‌ریزی در قوه مقننه

: دکتر محمد قاسمی

: مطالعات برنامه و بودجه

۱. بودجه‌ریزی در ایران

۲. بودجه‌ریزی - حقوق قوه مقننه

:

۱. دفتر مطالعات برنامه و بودجه، بودجه‌ریزی در ایران (مسائل و چالش‌ها)، مرکز

پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۱.

2. Schiawo- Campo, s. & Tommasi, D. 1999, Manoging Government Expenkifure; Asian Development Bank.

: مطالعات برنامه و بودجه